قتل رقیب عشقی پس از دوئل تلگرامی

رقابت عشقی بر سر دوستی با یک دختر در یک گروه تلگرامی پایان خونینی به همراه داشت.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه شامگاه دوشنبه ۱۶ اسفندماه بود، رهگذران در خیابان کارگر شمالی نرسیده به بلوار کشاورز متوجه درگیری خونین چند پسر جوان شدند و موضوع را به مأموران پلیس خبر دادند. با اعلام این خبر بلافاصله تیمی از مأموران کلانتری ۱۴۸ انقلاب راهی محل شدند. مأموران در محل حادثه که روبه‌روی رستورانی در نزدیکی دکه روزنامه‌فروشی بود با پیکرهای خونین دو پسر جوان روبه‌رو شدند. بررسی‌ها نشان داد یکی از آنها به علت شدت جراحت فوت شده است. همچنین معلوم شد این دو نفر لحظاتی قبل در درگیری با دو پسر دیگر به شدت زخمی شده بودند.

لحظاتی پس از اعلام خبر قتل پسر جوان، قاضی منافی آذر، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل به تحقیق پرداختند.

تحقیقات نشان داد عامل قتل پسر جوانی به نام صفدر است که چند قدم آن طرف‌تر دکه روزنامه‌فروشی دارد. همچنین مشخص شد دقایقی قبل صفدر همراه شاگردش بهرام با مقتول و دوستش درگیری مرگباری را آغاز کرده بودند که در جریان این درگیری صفدر مقتول و دوستش را با ضربات متعدد چاقو زخمی و از محل فرار می‌کند که در نهایت مهرشاد در صحنه حادثه به قتل می‌رسد و پیکر خونین و نیمه جان دوستش برای مداوا به مرکز درمانی منتقل می‌شود.

شاگرد رستورانی که شاهد درگیری مرگبار بود، گفت: لحظه حادثه صدای درگیری از داخل خیابان به گوشمان رسید. وقتی به داخل خیابان آمدیم، مشاهده کردیم صاحب دکه روزنامه‌فروشی همراه شاگردش با دو پسر جوان در حال درگیری بودند که ثانیه‌هایی بعد صاحب دکه روزنامه‌فروشی با چاقو دو نفر مقابل را زخمی کرد و بعد در حالی که سرش خونی بود، از محل گریخت و شاگردش هم به داخل دکه روزنامه‌فروشی رفت. مأموران در نخستین گام شاگرد روزنامه‌فروشی را بازداشت کردند و در گام بعدی برای دستگیری قاتل به جست‌وجو پرداختند. بررسی‌ها حکایت از آن داشت که قاتل در همین نزدیکی‌ها مخفی شده است و در نهایت مأموران متوجه لکه‌های خونی روی زمین شدند که چند کوچه دورتر از محل حادثه به سوپر مارکتی ختم می‌شد. بدین ترتیب کارآگاهان جنایی با دنبال کردن رد خون، قاتل فراری را داخل سوپر مارکت دستگیر کردند.

متهم پس از دستگیری قتل پسر جوان را منکر شد و در حالی که بررسی‌ها نشان می‌داد این درگیری بین دو گروه دو نفری بوده است، متهم در ادعایی گفت که مقتول همراه چهار نفر از دوستانش او را کتک زدند و نمی‌داند که چه کسی او را به قتل رسانده است. صبح دیروز متهم همراه شاگردش برای بازجویی به دادسرای امور جنایی منتقل شد. متهم در بازجویی‌های تخصصی به قتل اعتراف کرد و درباره حادثه گفت: مدتی قبل از طریق یکی از دوستانم عضو گروه تلگرامی شدم که در آن گروه تعدادی دختر هم عضو بودند. ارتباط پیامکی و تلفنی ما ادامه داشت تا جایی که من عاشق شیرین شدم و قرار شد با هم ازدواج کنیم. مقتول هم عضو گروه تلگرامی بود، اما من او را نمی‌شناختم به همین دلیل بیشتر با دوستانی که می‌شناختم در گروه ارتباط پیامکی داشتم تا اینکه ظهر روز حادثه یکی از دوستانم به نام فریبرز که دوست مشترک من و مقتول بود، گروه سه نفری تشکیل داد. مقتول پیامی درباره دختر مورد علاقه‌ام در گروه فرستاد. او خبر داشت که من قرار است با شیرین ازدواج کنم و به همین دلیل از او بدگویی کرد و من هم چند پیام اعتراض‌آمیز در گروه فرستادم. مقتول مدعی بود که شیرین دختر خوبی نیست و بهتر است من با او ازدواج نکنم، اما من به او گفتم که عاشق شیرین هستم و خواهش کردم از شیرین بدگویی نکند. مقتول مدعی شد شیرین به من خیانت کرده و با دوست شده است که خیلی عصبانی شدم و به همین خاطر با هم پیامکی مشاجره لفظی کردیم و برای هم خط و نشان کشیدیم.

وی ادامه داد: ساعتی ما دو نفر پیام‌های تهدیدآمیز برای هم رد و بدل کردیم تا اینکه مقتول با شماره تلفن همراه من تماس گرفت و از من خواست برای دعوا با هم قرار بگذاریم که من هم آدرس محل کارم را به او دادم. دقایقی قبل از حادثه او همراه یکی از دوستانش جلوی دکه روزنامه‌فروشی من آمدند و دوباره با من تماس گرفتند که به او گفتم دکه‌ام خیابان بالاتر است. وقتی آنها از دکه دور شدند، چاقویی را که برای بریدن کارتن خریده بودم، از داخل دکه برداشتم و به داخل خیابان آمدم. کمی آن‌طرف‌تر خودم را به آنها معرفی کردم و مشاجره لفظی ما شروع شد. وقتی درگیری ما بالا گرفت مقتول و دوستش با شیشه نوشابه‌ای به من حمله کردند و چند ضربه به سرم زدند و من هم از ترس با چاقو چند ضربه به مقتول و دوستش زدم. آنها غرق در خون نقش بر زمین شدند که من از ترس فرار کردم.

شاگرد دکه روزنامه‌فروشی هم گفت: من در این درگیری شرکت نداشتم. لحظاتی قبل از درگیری صفدر داخل دکه خواب بود که تلفن همراهش زنگ خورد. او با پسر جوانی در حال حرف زدن بود که وقتی دقت کردم متوجه شدم پسر جوان که با صفدر در حال حرف زدن است، جلوی دکه ایستاده است. صفدر به او گفت که دکه روزنامه‌فروشی من بعد از پارک لاله است و آنها اشتباهی آمده‌اند. پس از اینکه مکالمه آنها تمام شد، پسر جوان نوشیدنی خرید و همراه دوستش از دکه روزنامه‌فروشی به طرف پارک لاله به راه افتادند. هنوز چند قدمی دور نشده بودند که صفدر از دکه بیرون رفت و ثانیه‌هایی بعد صدای درگیری به گوشم رسید. وقتی به محل حادثه رسیدم، دو پسر جوان زخمی روی زمین افتاده بودند و صفدر هم فرار کرده بود. دو متهم در ادامه برای تحقیقات بیشتر به دستور قاضی منافی آذر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفتند.

عامل جنایت اراک به ۶ بار قصاص در ملأعام محکوم شد

پسر جوانی که با همدستی برادرش شش عضو دو خانواده‌ای را با شلیک گلوله در شهرستان اراک به قتل رسانده بود، محاکمه و به شش بار قصاص در ملأعام محکوم شد.

متهم ۲۶ ساله که عباس صحرایی نام دارد صبح روز ۲۲ دی‌ماه همراه برادرش رضا، ابتدا به خانه‌ای در خیابان طالقانی حمله کرد و اعضای این خانواده را به قتل رساند. قربانیان حادثه یکی از مأموران پلیس به همراه مادر و دو فرزند دیگر خانواده بودند. خواهر و برادر این مأمور پلیس هم مجروح و به بیمارستان منتقل شدند. هنوز ساعتی از این حادثه نگذشته بود که عباس در جنایتی دیگر اعضای خانواده دیگری را در خیابان سی متری فوتبال با شلیک گلوله به قتل رساند. قربانیان این حادثه پدر و مادر خانواده بودند. فرزندیکی از همسایه‌ها هم مجروح شدند.

مأموران پلیس در اولین گام متوجه شدند که عامل حادثه مدتی قبل به خاطر شرکت در نزاعی مرگبار به حبس محکوم شده بود. او وقتی متوجه شد که چه کسانی نقش او در جریان نزاع را بر ملا کرده‌اند با گرفتن مرخصی از زندان دست به انتقام‌گیری مرگبار زده بود. مأموران پلیس در جریان بررسی‌های خود عباس و برادرش را که در جریان حادثه به او کمک کرده بود، بازداشت کردند. عباس در بازجویی‌ها به قتل شش عضو دو خانواده اعتراف کرد. دو متهم پس از بازسازی صحنه قتل و تحقیقات تکمیلی روز گذشته در شعبه یک دادگاه کیفری استان مرکزی محاکمه شدند. هیئت قضایی «عباس صحرایی» متهم ردیف اول به شش بار قصاص در ملأعام در منطقه کوی علی‌بن ابیطالب(ع) اراک، هشت سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق محکوم کردند. رضا متهم ردیف دوم هم به ۵۵ سال حبس و برای تکمیل مجازات به دو سال تبعید به شهرستان ایذه محکوم شد.

قاتل سریالی حرفی برای گفتن نداشت

مردی که پس از ارتکاب دو قتل، یکی از دوستانش را تا پرتگاه مرگ کشانده بود، روز گذشته پای میز محاکمه ایستاد.

به گزارش خبرنگار ما، بهمن ماه سال ۹۱ بود که مردی به مأموران پلیس اسلامشهر خبر داد، مادرش به قتل رسیده است. بررسی‌های پلیس بعد از حضور در محل نشان داد که زن سالخورده با اصابت جسم سخت به سرش جان باخته است. پسر مقتول که پلیس را از ماجرا با خبر کرده بود، توضیح داد: چند ساعت قبل ابراهیم، یکی از دوستانم تماس گرفت و گفت می‌خواهد بدهی ۸ میلیون تومانی‌اش را پرداخت کند. من در محل کارم بودم به خاطر همین خواستم پول را به خانه مادرم ببرد و به او تحویل دهد که قبول کرد. با مادرم که تماس گرفتم گفت ابراهیم پول را به او داد و رفت. پسر مقتول گفت: لحظاتی قبل وقتی وارد خانه شدم دیدم که مادرم در اتاق پذیرایی افتاده است. خودم را که به بالینش رساندم، متوجه شدم، به قتل رسیده است.

رها کردن قاتل

بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، ابراهیم اولین مظنونی بود که مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت: من نقشی در ماجرای قتل ندارم. ساعتی قبل از حادثه به درخواست دوستم به خانه مادرش رفتم. پول را به او دادم و به خانه‌ام رفتم.

از آنجا که مأموران نتوانستند مدرکی علیه ابراهیم پیدا کنند، او را آزاد کردند.

پنهان کردن دومین قتل

تحقیقات در این باره ادامه داشت تا اینکه چند ماه بعد از حادثه یکی از دوستان ابراهیم که پسر ۲۸ ساله‌ای به نام هادی بود، به طور مرموزی ناپدید شد.

سرنخ

تلاش مأموران پلیس برای پیدا کردن هادی هم فایده‌ای نداشت تا اینکه آذرماه سال ۹۲ سرنخ ماجراهای مرموز به دست پلیس افتاد. آن روز راننده یک خودروی عبوری پیکر نیمه‌جان مرد ناشناسی را به یکی از بیمارستان‌های اسلامشهر منتقل کرد. این مرد که سهراب نام داشت با ضربات جسم نوک تیز به شدت مجروح شده بود. تلاش پزشکان برای نجات سهراب به جریان افتاد و مرد جوان از مرگ فاصله گرفت. او وقتی زبان به حرف زدن باز کرد، توضیح داد که چگونه ابراهیم و یکی از دوستانش سامان او را زخمی کرده‌اند.

بازداشت قاتل آشنا

با اطلاعاتی که او در اختیار پلیس گذاشت، ابراهیم و سامان دستگیر شدند. ابراهیم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و پرده از قتل پیرزن و هادی هم برداشت. او درباره قتل پیرزن گفت: روز حادثه وقتی بدهی ۸ میلیون تومانی را به خانه مادر دوستم بردم، او از من استقبال کرد. پول را گرفت و داخل یک صندوقچه گذاشت. بعد هم خانه‌اش را ترک کردم. در حال دور شدن از خانه او بودم که وسوسه شدم برگردم و پول را سرقت کنم به خاطر همین او را به قتل رساندم و ۸ میلیون تومان را سرقت کردم.

ابراهیم در توضیح قتل هادی هم گفت: هادی در کار ضایعات کار می‌کرد و مدتی بود که با هم اختلاف حساب داشتیم. وقتی اختلافمان بالا گرفت، او را به جاده شوراباد کشاندم و با ضربات چوب به قتل رساندم. بعد هم جسدش را داخل چاهی انداختم و به خانه‌ام رفتم.

او در توضیح سومین حادثه هم گفت: سهراب از دوستانم بود که وضع مالی خوبی داشت. تصمیم گرفتم تا از او سرقت کنم. برای انجام سرقت به همدست نیاز داشتم به خاطر همین ماجرا را به سامان که از دوستان مشترکمان بود، در میان گذاشتم که قبول کرد به من کمک کند. روز حادثه مطابق نقشه سامان سوار نیسان سهراب شد و من هم با موتور آنها را تعقیب کردم. در محل خلوتی سامان به سهراب حمله کرد. وقتی خودرو توقف کرد، من هم به کمک سامان رفتم و سهراب را با چاقو و قمه هدف قرار دادم. بعد هم پول و طلاهای سهراب را سرقت کردیم. فکر کردیم که او مرده است به خاطر همین جسدش را کنار جاده انداختیم تا کشف شود. بعد هم از آنجا فرار کردیم و احتمال نمی‌دادیم که زنده مانده باشد.

بعد از اعتراف‌های ابراهیم بقایای جسد هادی از داخل چاه متروکه کشف شد. مأموران پلیس همچنین سامان، همدست ابراهیم را بازداشت کردند. او گفت من فقط در ماجرای سرقت نقش داشتم و ابراهیم بود که ضربات چاقو و قمه را وارد کرد.

ایستگاه محاکمه

بعد از اعتراف‌های دو متهم، پرونده برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و دو متهم روز گذشته پای میز محاکمه ایستادند.

درخواست قصاص برای قاتل بی‌رحم

ابتدای جلسه، اولیای دو مقتول گفتند که خواسته‌شان قصاص ابراهیم است. سپس سهراب که در جریان سومین حادثه از مرگ فاصله گرفته بود در جایگاه ایستاد و گفت: من از سامان و ابراهیم شکایت دارم. آنها از دوستانم بودند، اما با قمه به جانم افتادند. التماس کردم تا من را نزنند و هر چه بخواهند به آنها می‌دهم. یک چک ۱۰ میلیون تومانی امضا کردم و به ابراهیم دادم اما آنها من را تا یک قدمی مرگ زدند و اگر راننده عبوری به دادم نرسیده بود، فوت شده بودم. ابراهیم وقتی در جایگاه قرار گرفت، اتهام دو فقره قتل و اقدام به سومین قتل را قبول کرد. او گفت: من حرفی برای گفتن ندارم و قبول دارم که مرتکب این حوادث شده‌ام. سامان اما اتهام خودش را انکار کرد و گفت: ابراهیم من را فریب داد و به محل حادثه کشاند. من نقشی در ماجرا نداشتم و همه ضربات را خودش وارد کرد. هیئت قضات بعد از شنیدن دفاعیات متهمان وارد شور شد.

مرد هزار چهره سر همسرش را هم کلاه گذاشت

مرد هزار چهره که با جعل عناوین مختلف دست به کلاهبرداری از مردم در چند شهر زده است، بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار ما، اولین شکایت علیه متهم ۳۸ ساله که حامد نام دارد، مهرماه امسال مطرح شد. زنی که شکایت را مطرح کرده بود، صاحبخانه حامد بود. او به مأموران کلانتری ۱۶۱ ابوذر گفت: حامد خودش را یکی از کارمندان ارشد شهرداری معرفی کرده بود. وقتی به او گفتم که خانه‌ام مشکل پایان کار دارد، گفت که می‌تواند مشکل را حل کند. او از من ۳۰ میلیون تومان پول گرفت و مهلتی خواست تا کارهایم را انجام دهد. وقتی مهلت تمام شد به خانه‌اش رفتم، اما همسرش گفت که از او خبر ندارد. بعد از مطرح شدن شکایت پرونده به دستور قاضی در اختیار کارآگاهان اداره سیزدهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

آنها در تحقیقات میدانی از همسایه‌ها متوجه شدند که حامد از دیگر ساکنان ساختمان هم کلاهبرداری کرده است. یکی از همسایه‌ها وقتی از ماجرا با خبر شد، گفت: شوهرم دچار بیماری کلیه است و نیاز به عمل جراحی دارد. یک روز در پارکینگ ساختمان با حامد همکلام شدم. وقتی ماجرای بیماری شوهرم را توضیح دادم، گفت که مدیر یکی از بیمارستان‌های مطرح تهران است و می‌تواند شرایط درمان شوهرم را فراهم کند. بعد در چند نوبت به بهانه‌های مختلف از من پول گرفت. حالا هم فهمیده‌ام که او کلاهبردار است و فراری شده است.

بعد از ثبت شکایت همسایه‌ها، حالا نوبت به همسر حامد شده بود تا درباره رفتار شوهرش توضیح دهد. او وقتی حرف‌های مأموران پلیس را در این‌باره شنید، متوجه شد که شوهرش سر او را هم کلاه گذاشته و ناپدید شده است. زن جوان گفت: چند ماه قبل در شبکه اجتماعی لاین با حامد آشنا شدم. او خودش را یکی از کارمندان ارشد دولتی معرفی کرد و گفت به چند نفر از شهرداران مناطق مختلف تهران مشاوره می‌دهد. در اولین ملاقاتمان به او گفتم که از شوهرم طلاق گرفته‌ام و تنها زندگی می‌کنم. مدتی که گذشت پیشنهاد ازدواج داد که قبول کردم. بعد هم او برای زندگی به خانه من آمد. مدتی که گذشت از من خواست خودروی پرایدم را به ماشین مدل بالایی تبدیل کنم. بعد از من وکالت فروش گرفت و پرایدم را فروخت، اما پول پراید را به من نداد. حالا هم فهمیده‌ام که او کلاهبردار بوده و فرار کرده است.

کارآگاهان در بررسی‌های بعد متوجه شدند که حامد از مجرمان سابقه‌دار است که چند بار به اتهام سرقت و کلاهبرداری بازداشت شده و به زندان افتاده بود. تحقیقات در این باره ادامه داشت تا اینکه خبر رسید چند زن دیگر هم علیه حامد شکایت کرده‌اند. همه این زنان گفته بودند که با حامد در شبکه لاین یا تلگرام آشنا شده بودند. حامد خودش را یکی از مدیران دولتی معرفی کرده و با شیوه‌های مختلف از آنها کلاهبرداری کرده بود.

کارآگاهان پلیس در تحقیقات بعدی موفق شدند مخفیگاه حامد را در منطقه گل‌تپه ورامین شناسایی کنند. آنها وقتی برای بازداشت حامد وارد محل شدند، فهمیدند که متهم از آنجا فرار کرده است. در شاخه دیگری از تحقیقات معلوم شد که او با یک خودروی پرشیا تردد و داخل ماشینش هم زندگی می‌کند. سوم اسفندماه بود که محل تردد او در آزادراه تهران - قم شناسایی شد. آن روز کارآگاهان طرح مهار را در عوارضی تهران قم اجرا کرده بودند. حامد اما وقتی با خودروی خودش به نزدیکی عوارضی رسید، متوجه حضور پلیس شد و سعی کرد از دست پلیس فرار کند، اما این بار دیگر شانس با حامد همراه نبود؛ چراکه در تله ترافیک گرفتار شد. حامد وقتی پلیس را در تعقیب خودش دید سعی کرد هر طور شده از ترافیک هم عبور کند. سماجت او سبب شد تا مأموران پلیس با شلیک گلوله لاستیک‌های خودروی او را پنچر کنند، اما او به فرارش ادامه داد و با ۲۰ خودروی عبوری هم تصادف کرد. مأموران پلیس سرانجام حامد را بازداشت کردند.

او در اولین بازجویی‌ها به جعل عناوین مختلف از جمله مقامات قضایی، مأمور عالی‌رتبه دولتی، معاون و مشاور شهرداری‌های مناطق مختلف تهران اعتراف کرد. حامد گفت: علاوه بر تهران از زنان دیگری در چند شهر کشور به همین شیوه کلاهبرداری کرده است.

سرهنگ کارآگاه محمدرضا ذاکراستقامتی، معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران بزرگ از کسانی که به این شیوه هدف کلاهبرداری قرار گرفته‌اند، خواست به اداره سیزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ در خیابان وحدت اسلامی مراجعه کنند.

برخورد با سوداگران مواد محترقه تشدید می‌شود

رئیس پلیس امنیت عمومی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ از افزایش کشف مواد محترقه نسبت به سال قبل خبر داد و گفت: با نزدیک شدن به چهارشنبه سوری برخورد با توزیع کنندگان و دستفروشان مواد محترقه تشدید می‌شود.

سرتیپ دوم علیرضا لطفی در حاشیه اجرای طرح برخورد با توزیع کنندگان و فروشندگان مواد محترقه گفت: شاهد افزایش ۵۱ درصدی کشف مواد محترقه کم خطر و ۳۸۸ درصد کشف مواد محترقه پرخطر بوده‌ایم. وی افزود: از ۵۶ انبار در مناطق مرکزی و جنوبی تهران که محل انبار مواد محترقه بود بازدید و اقدام قضایی در این خصوص انجام شد و بازداشت شدگان به مرجع قضایی معرفی شده‌اند.

سرتیپ لطفی گفت: فروش هیچگونه مواد محترقه‌ای از سوی پلیس تأیید نشده است و با فرا رسیدن روزهای پایانی سال و چهارشنبه آخر سال، برخورد با توزیع کنندگان و نیز دستفروشانی که کنار خیابان اقدام به فروش مواد محترقه می‌کنند، تشدید می‌شود.

این مقام انتظامی همچنین به راه‌اندازی پویش‌های اجتماعی و مردمی مقابله با مواد محترقه از سوی شهروندان و به احترام شهدای آتش‌نشان اشاره کرد و گفت: خوشبختانه با اقدامات صورت گرفته در طول این سال‌ها و نظارت بسیار خوب والدین و اطلاع‌رسانی مناسب از طریق رسانه‌های دیداری و شنیداری و مکتوب شاهد کاهش خسارات و آسیب‌های ناشی از استفاده از مواد محترقه بوده‌ایم، که این خود جای تشکر دارد، اما باز هر ساله تعدادی از شهروندان خصوصاً کودکان، نوجوانان و جوانان به خاطر رعایت نکردن نکات ایمنی و استفاده از مواد محترقه، دچار مصدومیت و مجروحیت می‌شوند. بنابراین از والدین خواهشمندم به عنوان یک خدمتگزار در پلیس در برگزاری شب چهارشنبه آخر سال در کنار فرزندان‌شان حضور داشته باشند و بر آنان نظارت کنند.

سردار لطفی با اشاره به محله محور بودن برگزاری مراسم شب چهارشنبه آخر سال مثل سنوات قبل گفت: با هماهنگی‌های انجام شده مقرر شده است که علاوه بر استقرار نیروهای انتظامی در محلات، مأموران آتش‌نشانی و امدادرسانی نیز در محلات شهر تهران حضور یابند تا در صورت نیاز نسبت به رسیدگی به وضعیت مصدومان و امدادرسانی اهتمام ورزند.

زرگر قلابی تعرض به دختران را انکار کرد

مردی که با معرفی خودش به عنوان طلافروش دختران را فریب می‌داد و پس از سرقت طلاهایشان به آنها تعرض می‌کرد، روز گذشته پای میز محاکمه ایستاد.

به گزارش خبرنگار ما، ۲۹ آذرماه سال گذشته بود که شکایت علیه زرگر قلابی مطرح شد. شاکی که زنی جوان بود، وارد کلانتری ۱۲۳ نیاوران شد و گفت: چند روز قبل با مردی به نام ایمان آشنا شدم. او خودروی هیوندای گران‌قیمتی داشت و خودش را طلافروش معرفی کرد و گفت که وضع مالی خوبی دارد. ایمان پیشنهاد دوستی داد که به خاطر موقعیت کاری‌اش قبول کردم. یک روز بعد از آشنایی‌مان با هم به گردش رفتیم. ایمان از من خواسته بود، طلاهایم را بیاورم تا آن را با طلاهای بهتری عوض کند. بعد از گردش طلاهایم را به او دادم، اما دیگر از او خبری نشد.

بعد از مطرح شدن شکایت مأموران پلیس در این باره تحقیق کردند. بررسی‌ها نشان داد که پنج زن و دختر دیگر هم علیه مرد فریبکار طرح شکایت کرده‌اند. سه نفر از این دختران به پلیس گفته بودند که ایمان قبل از سرقت طلاهایشان به آنها تعرض هم کرده است. مأموران پلیس سرانجام متهم ۳۲ ساله را بازداشت کردند. او وقتی با شاکیان مواجه شد به جرمش اعتراف کرد. پرونده با کامل شدن بررسی‌ها روی میز هیئت قضایی شعبه هشتم دادگاه کیفری استان تهران قرار گرفت و متهم روز گذشته پای میز محاکمه ایستاد.

یکی از شاکیان ابتدای جلسه در جایگاه قرار گرفت و گفت: ایمان به من گفته بود که طلافروش است و وضع مالی خوبی دارد. یک روز با ماشین او به جاده چالوس رفتیم. او آن روز طلاهایم را گرفت تا آن را با طلاهای بهتری عوض کند. ایمان داخل ماشین به من تعرض کرد و گفت که از رفتار سیاهش فیلم گرفته و اگر شکایت کنم آبرویم را می‌برد، اما علیه او شکایت کردم و امیدوارم که به شدت مجازات شود.

دو دختر دیگر هم گفتند که امیر قبل از تعرض به آنها با ماده بیهوشی آنها را بیهوش و تعرض کرده است. آنها گفتند امیر همچنین طلاهایشان را سرقت کرده است و در هر دو مورد شکایت دارند. شاکی دیگر گفت: روز حادثه همراه ایمان به میدان هفت‌تیر رفتیم تا مانتو بخرم. آن روز پول زیادی همراهم بود. از من خواست که کیف پولم را داخل ماشین بگذارم که قبول کردم. وقتی مقابل یک فروشگاه پیاده شدم، ناگهان پایش را روی پدال گاز گذاشت و از محل دور شد. فکر کردم دارد شوخی می‌کند، اما بعد از آن دیگر ایمان را ندیدم. هر چه با تلفن همراهش تماس گرفتم، گوشی او خاموش بود.

بعد از مطرح شدن شکایت‌ها متهم در جایگاه قرار گرفت و گفت که اتهام سرقت را قبول دارد، اما به شاکیان تعرض نکرده است. او گفت با مهارتی که داشتم زنان و دختران را فریب می‌دادم. بعد هم پول و طلاهایشان را سرقت می‌کردم، اما به آنها تعرض نکرده‌ام. هیئت قضات بعد از شنیدن دفاعیات متهم وارد شور شد.

آگهی رونوشت حصر وراثت

خواهان رونوشت حصر وراثت اسماعیل ریکی نژاد شورکی فرزند صفر دارای شناسنامه شماره ۳۶۱۰۲۱۹۰۵۱ صادره از زاهدان به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاسه ۹۵۰۹۹۸۵۵۰۰۲۰۰۷۹۶ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان زهرا ریکی فرزند خوبیار به شناسنامه ۲۷۶۲ در تاریخ ۱۳۸۶/۷/۹ در اقامتگاه دائمی خود بدرود حیات گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱. متقاضی با مشخصات فوق فرزند متوفی ۲. صفر ریکی نژاد شورکی فرزند محمد حسن به ش.ش: ۱۱۸۵۶ همسر متوفی ۳. محمدرضا ریکی نژاد فرزند صفر به ش.ملی: ۳۶۱۰۶۱۴۴۲۰ صادره از زاهدان فرزند متوفی ۴. جمشید ریکی نژاد شورکی فرزند صفر به ش.ش:۱۰۷ صادره از میرجاوه فرزند متوفی ۵. عنبر خاتون ریکی نژاد شورکی فرزند صفر به ش.ملی: ۳۶۱۰۲۱۹۰۴۱ صادره از زاهدان فرزند متوفی ۶. خدیجه ریکی نژاد شورکی فرزند صفر به ش.ش: ۶۷۸ صادره از زاهدان فرزند متوفی ۷.فرحناز ریکی نژاد شورکی فرزند صفر به ش.ش: ۵۸۶ صادره از میرجاوه فرزند متوفی ۸. آرزو ریکی نژاد شورکی فرزند صفر به ش.ملی: ۳۶۱۱۱۵۵۷۶۴ صادره از زاهدان فرزند متوفی ۹. ابراهیم ریکی نژاد شورکی فرزند صفر به ش.ملی: ۳۶۱۰۳۶۰۳۹۹ صادره از زاهدان فرزند متوفی ولاغیر.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور یک نوبت آگهی می‌گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و یا وصیت نامه‌ای از متوفی نزد او می‌باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یک ماه به این شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد./ م الف: ۳۸۰۵

محمدرضا طاهری نسب- قاضی شورای حل اختلاف شماره یک زاهدان